

Examining the limits of a husband's authority during the wife's recommended Hajj

HosseinAndailb :Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran. hoseinandalib@iau.ac.ir

Abstract

Objective: The purpose of this study is to examine and analyze the scope of the husband's authority in the wife's recommended Hajj. **Materials and Methods:** This study was conducted using a library study method and a descriptive-analytical approach. The necessary information was obtained and analyzed by referring to jurisprudential evidence. **Findings:** Studies indicate that several groups of evidence have been cited for the necessity of seeking permission from the husband for the wife's recommended Hajj. Some of these narrations, such as the narration of Jabir ibn Yazid al-Ju'fi, explicitly speak of the necessity of the wife seeking permission from the husband to perform the recommended Hajj. Two narrations from Muawiyah ibn Ammar also indicate that a divorced woman can go on Hajj during the waiting period if her husband agrees. The same theme is also mentioned in the narration of Muhammad ibn Muslim. The narration of Ishaq ibn Ammar is also about a woman who asks her husband to take her on Hajj with his own money, to which the Imam (a.s.) in response does not consider such an order obligatory on the husband. Also, general Quranic evidence such as verse 223 of Surah Al-Baqarah and verse 34 of Surah An-Nisa emphasize the necessity of respecting the right to enjoyment of the spouse, and therefore, if a behavior such as the wife's recommended Hajj is in conflict with it, it is prohibited. General narrational evidence such as the Sahih of Muhammad ibn Muslim also indicates the necessity of paying attention to the right to enjoyment of the spouse. And the narration of Sukuni also indicates that alimony is not due to a woman who leaves the house without her husband's permission. **Conclusion:** The study and analysis of specific and general evidence led the researcher to the conclusion that specific evidence (narrations) to prove the need for the husband's permission to perform this duty seems insufficient due to the weakness of the documentary evidence or the difficulties of the evidence. **Keywords:** Recommended Hajj, seeking permission, right to enjoy, prohibition of a woman leaving the house without her husband's permission.

Received: 2024/07/13 ; **Revised:** 2024/08/15 ; **Accepted:** 2024/9/10; **Published online:** 2024/10/01

Article type: Research Article

Publisher: Qom Islamic Azad University

© the authors



بررسی محدوده اختیارات زوج در حج مستحبی زوجہ

حسین عندلیب: استادیار، گروه معارف اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

hoseinandalib@iau.ac.ir

چکیده

هدف: هدف از این پژوهش آن است که محدوده اختیارات زوج در حج مستحبی زوجہ را مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد مواد و روش‌ها: این پژوهش با روش مطالعات کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام شده است که با مراجعه به ادله فقهی اطلاعات لازم به دست آمده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌ها: بررسی‌ها حاکی از آن است که چند گروه از ادله بر لزوم استیذان از زوج در حج مستحبی زوجہ مورد استناد قرار گرفته‌اند. برخی از این روایات مانند روایت جابر بن یزید جعفی به صراحت از لزوم استیذان زوجہ از زوج برای انجام حج مستحبی سخن گفته است. دو روایت از معاویه بن عمار نیز دال بر آن است که مطلقه در مدت زمان عده در صورت رضایت شوهرش می‌تواند به حج رود. که همین مضمون در روایت محمد بن مسلم نیز آمده است. روایت اسحاق بن عمار نیز در خصوص زنی است که از شوهرش می‌خواهد وی را با مال خودش به حج ببرد، که امام(ع) در پاسخ چنین امری را بر زوج لازم نمی‌داند. همچنین ادله عام قرآنی مانند آیه ۲۲۳ سوره بقره و آیه ۳۴ سوره نساء بر لزوم رعایت حق استمتاع زوج تاکید دارد و لذا اگر رفتاری مانند حج مستحبی زوجہ در تعارض با آن باشد، منهی عنه است. ادله روایی عامی نیز مانند صحیح محمد بن مسلم بر لزوم توجه به حق استمتاع زوج دلالت دارد و روایت سکونی نیز سخن از عدم تعلق نفقه به زنی که بدون اجازه همسرش از منزل خارج شده دلالت می‌کند. نتیجه‌گیری: بررسی و تحلیل ادله خاص و عام پژوهشگر را به این مهم رهنمون کرد که ادله خاص (روایات) برای اثبات نیاز به اذن شوهر در انجام این فریضه به علت ضعف سندی یا اشکال دلالتی ناکافی به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی: حج مستحبی، استیذان، حق استمتاع، حرمت خروج زن از منزل بدون اذن شوهر.

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم © نویسندگان.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۷/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۲۰

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۵/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۴/۲۳



مقدمه

انجام اعمال عبادی به خصوص فریضه انسان‌ساز و روحانی «حج» همواره مورد تاکید دین مبین اسلام و مورد توجه عموم مسلمانان و مشتاقات بیت الله بوده و است. در خصوص انجام فریضه حج توسط بانوان در حجه الاسلام مشهور میان فقیهان عدم لزوم استیذان است لکن در حج مستحبی اختلاف نظرهای میان فقیهان وجود دارد. باتوجه به اینکه حج مستحبی نیز از جمله مسائلی است که به صورت موقت زوجه را زوج دور می‌نماید و خود نیز مصداقی از خروج زوجه از منزل محسوب می‌شود لذا حق استمتاع زوج در کانون توجه قرار می‌گیرد که چنین عمل عبادی با حق مسلم زوج در تعارض و تنافی قرار نگیرد. از آنجا تاکنون که بررسی ادله مسأله در پژوهشی مستقل انجام نیافته است لذا لازم و ضروری است تا ادله مسأله در قالب استنباطی - اجتهادی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. بنابراین پرسش اصلی پژوهش حاضر این است: «ادله لزوم استیذان از زوج در حج مستحبی زوجه چیست و چه دلالتی دارند؟» برای پاسخ به این پرسش ادله روایی و دیدگاه فقیهان مورد بحث و بررسی قرار گرفته و در نهایت دیدگاه برگزیده تبیین می‌گردد.

۱-روایات خاص

لزوم کسب اجازه از سوی زن برای انجام حج مستحبی و نهی از انجام حج بدون اذن شوهر تنها در تعداد محدودی از روایات ذکر شده است. ممکن است علت کم‌تعداد بودن این روایات به این مسئله بازگردد که در زمان صدور آنها، امکان ادای حج مستحبی بدون کسب اجازه شوهر به سادگی وجود نداشته است. به عبارتی، این حکم رایج و فراگیر نبوده و ازهمین‌رو، معصومان درباره آن کمتر مورد پرسش قرار گرفته‌اند. با این حال، این موضوع در برخی روایات مورد اشاره قرار گرفته و نیازمند بررسی دقیق‌تر است. روایاتی که به بیان این مسئله پرداخته‌اند به شرح زیر است.

۱-۱-روایت جابر بن یزید جعفی

«محمد بن علی بن الحسین فی الخصال عن أحمد بن الحسن القطان عن حسن بن علی العسکری عن محمد بن زکریا عن جعفر بن محمد عن أبیه عن جابر بن یزید الجعفی قال سمعت ابا جعفر محمد بن علی الباقر یقول: ... «و لا یجوز ان تحج تطوعا الا باذن زوجها» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۲۲۲) جابر بن یزید جعفی می‌گوید از امام باقر(ع) شنیدم که آن حضرت می‌فرمایند: «جایز نیست زن بدون اذن شوهر حج استحبابی به جا آورد».

بررسی و تحلیل روایت:

این روایت از نظر سندی به خاطر وجود ابن عماره و پدر وی که وضعیت آنها برای رجالین ناشناخته است محل اشکال است. همچنین در خصوص جابر بن یزید جعفری نیز اختلاف نظرهای وجود دارد (خویی، ۱۳۷۱ش، ج ۴، ص ۱۸) که در نتیجه برخی فقیهان مانند علامه حلی در توثیق این روایت توقف کرده (علامه حلی، ۱۴۱۷، ص ۳۶) و رای به توثیق آن نداده‌اند. البته از نظر دلالتی این روایت به صورت صریح و با ادبیات «لایجوز» که صریح در نهی است از ادای حج مستحبی زوجه بدون اذن زوج نهی می‌کند. لکن به علت ضعف سندی نمی‌توان به این روایت برای استنباط حکم شرعی بسنده کرد.

۲-۱- روایت اول معاویه بن عمار

«محمد بن الحسن بإسناده عن موسى بن القاسم عن صفوان عن معاوية بن عمار عن أبي عبد الله قال: لا تحج المطلقة في عِدَّتِهَا. (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۱، ص ۱۵۹) معاویه بن عمار از امام صادق (ع) نقل می‌کند که حضرت فرمودند: «زن مطلقه در عده‌اش حج انجام ندهد».

بررسی و تحلیل روایت:

از نظر سندی این روایت نه تنها هیچ مشکلی ندارد بلکه همه روایان آن ثقه، امامی و از اجلاء هستند. از نظر دلالتی نیز این روایت از ادای حج زوجه بدون اذن زوج در ایام عده نهی صریح کرده است و باتوجه به این از صیغه مضارع استفاده کرده است آکد در نهی است.

۳-۱- روایت دوم معاویه بن عمار

«حمید بن زیاد عن ابن سماعه عن محمد بن زیاد عن معاوية بن عمار عن أبي عبد الله قال: سمعته يقول: المطلقة تحج في عِدَّتِهَا إن طابت نفس زوجها (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۹۱) از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمایند: مطلقه در مدت زمان عده در صورت رضایت شوهرش می‌تواند به حج رود».

بررسی و تحلیل روایت:

این روایت از نظر سندی مشکلی ندارد و همگی روایان آن مورد وثوق هستند. فقط در خصوص حمید بن زیاد و حسن بن محمد بن سماعه مباحثی بین رجالین وجود دارد لکن علیرغم واقعی بودن آنها از سوی اصحاب رجال توثیق شده‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۷، ص ۵۹ و ۲۱۲) بنابراین، خبر مذکور در عداد روایت موثق قرار دارد و از حیث سندی قابل اعتماد است. از نظر دلالتی نیز این روایت بیانگر جواز ادای حج توسط مطلقه البته مشروط به اذن زوج وی می‌باشد.

۴-۱-روایت محمد بن مسلم

«الحسین بن سعید عن صفوان بن یحیی عن العلاء عن محمد بن مسلم عن أحدهما (ع) قال: المطلقة تحج فی عِدَّتِهَا. (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۳۱۷). زن مطلقه در عده‌اش می‌تواند حج انجام دهد».

بررسی و تحلیل روایت:

از نظر سندی این روایت نیز جزء روایات صحیحه است و روایان آن همگی امامی و جلیل‌القدر هستند. لکن از نظر دلالتی باید توجه داشت این روایت در خصوص لزوم یا عدم لزوم اذن زوج برای زوج در حج سکوت کرده است و صرفاً بیانگر جواز انجام حج توسط زن مطلقه در ایام عده است. بنابراین به صرف این روایت نمی‌توان در محل بحث استناد کرد مگر اینکه شاهد روایی دیگری این اطلاق را توضیح و تقیید نماید.

۴-۱-روایت اسحاق بن عمار

« محمد بن الحسن بإسناده عن موسى بن القاسم عن ابن جبلة عن إسحاق بن عمار ، عن أبي الحسن (عليه السلام) قال سألته عن المرأة الموصرة قد حجت حجة الاسلام تقول لزوجها : أحجني من مالي ، أله أن يمنعها من ذلك ؟ قال : نعم ، ويقول لها : حقي عليك أعظم من حقي عليّ في هذا؛ اسحاق بن عمار نقل می‌کند از امام کاظم (ع) پرسیدم: زن ثروتمندی که حج واجب را به جا آورده، از شوهرش می‌خواهد او را از مال خودش به حج برد، آیا شوهر می‌تواند زن را منع کند؟ فرمود: آری، شوهر به زن می‌گوید: حق من بر تو از حق تو بر من در این باره عظیم‌تر است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۱۵۶).

بررسی و تحلیل روایت:

از نظر سندی این روایت از شیخ طوسی و ایشان از مشایخ خود تا موسی بن قاسم و ایشان نیز از ابن جبلة و ابن جبلة نیز از اسحاق بن عمار که این طریق مورد توثیق قرار گرفته است. چرا که هر چند «عبدالله بن جبلة» واقعی مذهب بوده است لکن در راستگویی وی تردیدی نشده است و فقیه بزرگی همچون علامه حلی وی را توثیق کرده است (ر.ک: علامه حلی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۳۷). اما در خصوص دلالت حدیث باید توجه کرد موضوع پرسش راوی در این حدیث در خصوص زنی است که از شوهرش می‌خواهد وی با مال خودش به حج ببرد، که امام (ع) در پاسخ چنین امری را بر زوج لازم نمی‌دانند. بنابراین موضوع حدیث با موضوع محل بحث متفاوت است و در این حدیث سخنی از لزوم اذن یا عدم لزوم اذن زوج برای حج مستحبی زوج بیان نشده است.

جمع‌بندی روایات

آنچه که از مجموع پنج روایت پیش گفته حاصل می‌شود این است در خصوص زن مطلقه که در عده می‌باشد انجام حج متوقف و مشروط بر اذن زوج است لکن این حکم در خصوص زن مطلقه است و در خصوص غیرمطلقه روایات دلالتی ندارند. هرچند برخی فقیهان با این استدلال که مطلقه رجعی، زوجه محسوب می‌شود و لذا اذن زوج برای زوجه -چه مطلقه باشد چه غیرمطلقه- لازم و ضروری است (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۲۸). لکن به نظر این استدلال صحیح نیست زیرا با توجه به ماهیت عده و فلسفه عده در طلاق رجعی که شارع مقدس این مدت را برای آن گذاشته است که اگر زوجین از طلاق سابق پشیمان شدند راهی برای بازگشت به زندگی مشترک داشته باشند لذا بودن زن در منزل موضوعیت دارد و لذا وضعیت مطلقه رجعی و وضعیت خاص و انحصاری است و نمی‌توان آن را به تمام زنان سرایت داد.

۲- دیدگاه فقیهان

۱- لزوم اذن زوج

گروهی از فقیهان بر این باورند که زوجه جهت انجام حج مستحبی باید از زوج خود اجازه بگیرد و صحت حج او منوط به کسب رضایت و اذن زوج اوست. (موسوی عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۷، ص ۹۵؛ مؤمن سبزواری، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۶۴؛ شهید اول، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۶۰؛ یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۵۳۳؛ آملی، ۱۳۸۰، ج ۱۲، ص ۵۴؛ خویی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۶۹) برخی فقیهان نیز ادعای عدم الخلاف در لزوم اذن زوج برای حج مستحبی زوجه کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۸، ص ۳۸۸؛ نجفی، ۱۳۷۶، ج ۱۷، ص ۳۳۳).

۲- امکان منع و عدم لزوم اذن

برخی فقیهان مستند به روایت این گونه استدلال کرده‌اند که طبق این روایت زوج حق منع از حج مستحبی را دارد لکن اذن گرفتن از زوج لازم نیست. به عبارت دیگر اگر زوج منع از حج مستحبی زوجه کرد زن نباید به حج برود لکن اگر منعی نکرد اجازه گرفتن از وی لازم نیست (ر.ک: موسوی عاملی، ج ۷، ص ۹۱؛ محقق نراقی، ج ۱۱، ص ۹۲؛ مرتضوی، درس خارج فقه، ۱۳۸۷/۱۱/۱۵).

جمع‌بندی دیدگاه فقیهان

به نظر می‌رسد منشا و دلیل فتوای فقیهان به لزوم اذن زوج برای حج مستحبی زوجه، عدم جواز خروج زن از منزل بدون اذن شوهر و همچنین تنافی خروج زوجه با حق استمتاع زوج است. از این رو برخی فقیهان

تصریح کرده‌اند دلیل لزوم اذن زوج برای زوجه در حج مستحبی، حرمت خروج زن از منزل بدون اذن زوج است (خویی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۹۶). مرحوم میرزاجواد تبریزی از مراجع معاصر نیز مسأله لزوم استیذان زوجه از زوج را به خاطر تنافی با حق استمتاع زوج دانسته و معتقدند: اگر با حق استمتاع زوج منافاتی ندارد اشکالی ندارد (تبریزی، بی تا، ج ۴، ص ۲۸۰). برخی فقیهان نیز عدم استیذان را باعث ارتکاب حرام دانسته و لکن حج مستحبی زوجه بدون استیذان را صحیح دانسته‌اند (مکارم شیرازی، استفتائات: <https://www.makaremshirazi.net/main.aspx?typeinfo=214677>). بنابراین باید ادله عدم جواز خروج زن از منزل بدون اذن شوهر را مورد بازخوانی قرار داد. این مهم در قالب «ادله عام» مورد بررسی و تحلیل قرار داده می‌شود.

۳- ادله عام

در مسأله مورد بحث روایات و ادله عام وجود دارد که خروج زوجه از منزل را متوقف بر اذن زوج می‌داند و از آنجا که لازمه ادای حج مستحبی، خروج از منزل است لذا این ادله نیز می‌تواند به عنوان دلیل عام در مسأله مورد استفاده قرار گیرد.

۱- ۳- آیه ۲۲۳ سوره بقره

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «نَسَاؤُكُمْ حَرْتُ لَكُمْ فَأْتُوا حَرَّتْكُمْ أُنَى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِنَفْسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» (بقره: ۲۲۳) زنان شما کشتزار شمايند، هر زمان و هر کجا که خواستيد به کشتزار خود درآييد. و [با رعایت حقوق یکديگر، و حفظ عفت و پاکی، در سایه زناشویی و تولید نسلی پاک و شایسته و صالح، خیر و ثوابی] برای خودتان پیش فرستيد، و از خدا پروا کنید، و بدانيد که او را ملاقات خواهید کرد، و مؤمنان را بشارت ده.»

آنچه که مهم است بررسی واژه «أُنَى» است. این واژه، در برخی موارد به معنای مکان یا کیفیت و گاه به معنای زمان استفاده شده است. ابن منظور در کتاب «لسان العرب» درباره واژه «أُنَى» توضیح داده است که این واژه به معنای «این» (کجا) می‌آید؛ مانند عبارتی که می‌گوید: «أُنَى لَكَ هَذَا»، یعنی «از کجا برای تو آمده». همچنین، این واژه گاه به معنای «کیف» (چگونه) نیز به کار می‌رود؛ مانند جمله‌ای که می‌گوید: «أُنَى لَكَ أَنْ تَفْتَحَ الْحَصْنَ»، یعنی «کیف لک ذلک: چگونه برای تو ممکن است» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۵، ص ۶۳۸).

^۱ - پرسش: اگر زنی بدون اجازه شوهر به حج یا عمره مستحبی برود، آیا فقط گناه کرده، یا اعمالش نیز باطل است؟ و آیا چنین زنی حق دارد محرم شود، یا باید بازگردد؟

پاسخ: چنین زنی مرتکب گناه شده و باید به وطن بازگردد، ولی اگر محرم شود و حج یا عمره به جا آورد، حج و عمره‌اش صحیح است. (مکارم شیرازی، <https://www.makaremshirazi.net/main.aspx?typeinfo=264177&mid=28074&catid=0&lid=21>)

در «مفردات راغب» نیز آمده است که «أُنْثَى» برای جست‌وجو از حالت و مکان به کار می‌رود و بر همین اساس، معناهای «چگونه» و «کجاست» را دربرمی‌گیرد؛ زیرا هر دو معنا را پوشش می‌دهد. نمونه قرآنی این کاربرد را می‌توان در آیه‌ای از سوره آل عمران مشاهده کرد: «... أُنْثَى لَكَ هَذَا»، یعنی «از کجا یا چگونه برای تو حاصل شده». (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۹۶) این معنا توسط راغب اصفهانی نیز مورد تأیید قرار گرفته است.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌نویسد: «عبارت "أُنْثَى" در زبان عربی به عنوان اسمای شرط مورد استفاده قرار می‌گیرد و معمولاً در موارد زمان یا مکان به کار می‌رود. گاه این واژه می‌تواند به معنای زمان یا مکان اطلاق شود، همان‌گونه که در آیه شریفه آمده است: «قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ» (آل عمران: ۳۷). اگر "أُنْثَى" در این آیه به معنای مکان باشد، مفهوم آن "از هر جایی که بخواهید" خواهد بود، و اگر به معنای زمان مورد استفاده قرار گیرد، مفهوم آن "در هر زمانی که بخواهید" است. در هر حالت، این واژه دارای اطلاق است، و به‌ویژه زمانی که با واژه "شئتم" همراه باشد، این اطلاق تقویت می‌شود. این اطلاق باعث می‌شود که فعل امر در کلام خداوند متعال در بخش «فَاتُوا حَرْثَكُمْ» الزام‌آور نباشد و دلالت بر وجوب ننماید؛ چرا که ارجاع امر به اختیار مکلف، مفهوم وجوب را از آن سلب می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص ۲۱۳).

بنابراین، فارغ از اینکه "أُنْثَى" به معنای مکان باشد یا زمان یا هر دوی آن‌ها، نکته اساسی وجود اطلاق معنا در این واژه است. همچنین در آیه شریفه، منتفع شدن زوج از زوجه وابسته به اراده عملی زوج است؛ بدین معنا که هر زمان و هر مکانی که زوج قصد واقعی برای بهره‌گیری از زوجه داشته باشد، این امر شرعاً برای او مجاز است، مگر اینکه زمان یا مکانی خاص وجود داشته باشد که شارع از آن نهی کرده باشد مانند مقاربت در ایام حیض یا در مکان مقدس مثل مسجد.

به بیان دیگر، آیه شریفه تأکید می‌کند که ملاک اصلی در بهره‌برداری از حق استمتاع، اراده زوج است؛ اراده‌ای که می‌تواند در هر زمان یا مکان به فعلیت برسد و هیچ جنبه تبعیدی در این مسئله وجود ندارد. بنابراین، اگر زوج در زمانی معین اراده فعلی برای بهره‌مندی از زوجه نداشته باشد یا امکان تحقق اراده برای او فراهم نباشد، بر زوجه ولایتی نخواهد داشت و وظیفه‌ای مبنی بر تمکین بر عهده زوجه نخواهد بود. به همین دلیل، در چنین شرایطی زوجه آزادی انجام فعلی را دارد که با وظیفه تمکین ارتباطی ندارد و نیازی به گرفتن اجازه از زوج نیست. البته آیه نیز دلالت دارد بر اینکه زوجه موظف است در هر زمان یا مکانی که امکان تحقق اراده زوج برای بهره‌مندی وجود دارد، حاضر و در دسترس باشد تا بتواند به زوج تمکین کند. بنابراین، اگر

زوج در مکانی حضور داشته باشد که شرایط تحقق اراده تمتع موجود باشد، زوجه نیز موظف است در همان محل حضور یابد، حتی اگر زوج در آن لحظه اراده فعلی برای تمتع نداشته باشد. زیرا نبود زوجه در چنین مکانی امکان تحقق اراده زوج را عملاً از بین می‌برد. به بیان دیگر، در این فرض، زوجه عامل عدم تحقق اراده زوج محسوب می‌شود.

نتیجه اینکه در مسأله مورد بحث اگر زوج اراده تمتع از زوجه را نداشته باشد و با موانعی مانند بیماری که امکان تمتع از زوجه را از او سلب کرده، یا مفارقت روحی و عدم تمایل او به زوجه خود که در مدت معتنا بهی آن را نمایان کرده است در این صور مسأله با چالش روبرو می‌شود.

۲-۳- آیه ۳۴ سوره نساء

دومین آیه که در محل بحث می‌تواند مورد استشهاد قرار گیرد آیه ۳۴ سوره نساء است. خداوند متعال می‌فرماید: «وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا» و زنانی که از سرکشی و نافرمانی آنان بیم دارید [در مرحله اول] پندشان دهید، و [در مرحله بعد] در خوابگاه‌ها از آنان دوری کنید، و [اگر اثر نبخشید] آنان را [به گونه‌ای که احساس آزار به دنبال نداشته باشد] تنبیه کنید؛ پس اگر از شما اطاعت کردند برای آزار دادن آنان هیچ راهی مجوید؛ یقیناً خدا بلند مرتبه و بزرگ است».

در این آیه، امر به موعظه، جدایی و حتی ضرب (البته در معنای خاص خود) مرتبط با حالتی است که خوف نشوز زوجه وجود داشته باشد. به وضوح مشخص است که تحقق نشوز تنها در شرایطی ممکن است که زوج بخواهد به اراده خود در تحقق این وضعیت اقدام کند؛ در غیر این صورت، اگر زوج توانایی اعمال چنین حقی را نداشته باشد، اساساً مفهوم نشوز نیز بی‌معنی خواهد بود.

بررسی دقیق و تأمل در روایات نیز می‌تواند ما را به این نتیجه برساند که اراده بالفعل زوج در این موضوع معیار اصلی است؛ به عنوان مثال در این زمینه، می‌توان به روایت صحیح محمد بن مسلم اشاره کرد. محمد بن مسلم از امام باقر(ع) نقل می‌کند ایشان فرمود: «زنی نزد رسول خدا(ص) آمد و پرسید حق زوج بر زنش چیست؟ حضرت(ص) فرمود: او را اطاعت کند و از او نافرمانی نکند... و نفس خود(بدن خود) را از او دریغ نکند حتی اگر بر پشت شتر سوار باشد» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۰۷).

بر اساس کلام حضرت، زوجه ملزم به رعایت حق استمتاع زوج است، مشروط بر اینکه امکان تحقق اراده زوج در این حق وجود داشته باشد. از این رو، تمکین زوجه در شرایطی که زوج امکان فعال‌سازی اراده خود

را دارد، واجب دانسته شده است. بنابراین ملاک اصلی در این امر، فعلیت اراده زوج است؛ زیرا بدون اراده یا امکان تحقق آن، مساله معنایی نخواهد داشت.

بنابراین شارع مقدس، حق استمتاع زوج را بر اساس فعلیت و تحقق اراده او بنا نهاده است. لذا زوج موظف است در هر زمان و مکانی که زوج این اراده را داشته باشد، تمکین کند. این امر در افعالی مانند حج مستحبی نیز جریان دارد و لذا استیذان از زوج برای انجام حج مستحبی لازم و ضروری است.

۳-۳-روایت سکونی

سومین دلیل بر لزوم اذن زوج برای خروج زوجه از منزل روایت سکونی است. روایت به شرح زیر است: «عَلَى بَنِ إِبرَهِیمَ عَنْ أُبَیهِ عَنِ التَّوَقُّلِ عَنِ السَّكُونِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوَسَلَّمَ): أَيْمًا امْرَأَةٌ خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا بِغَيْرِ إِذْنِ زَوْجِهَا فَلَا نَفَقَةَ لَهَا حَتَّى تَرْجِعَ (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۳۹) امام صادق (ع) فرمود: رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده است: هر زنی که بدون اجازه همسرش از خانه خارج شود تا زمانی که برگردد، نفقه‌ای برایش نیست».

این روایت از نظر سندی موثق است و از حیث سندی اشکالی ندارد. لکن از نظر دلالتی باید توجه داشت موضوع اصلی این حدیث عدم الزام در پرداخت نفقه در صورت خروج زن بدون اجازه است. در این گفتار شریف، به طور مستقیم از ممنوعیت خروج بدون اجازه سخنی به میان نیامده است؛ به این معنا که ممکن است حکم وضعی سقوط نفقه برای زن وجود داشته باشد، اما حکم تکلیفی حرمت خروج مطرح نباشد. این نوع حکم نیازمند بیان صریح، مستقل و جداگانه است. برای مثال، یکی از اهداف احکام وضعی شاید اعمال فشار بر زوجه باشد تا او طبق تشخیص خود از خروج بدون اجازه از منزل خودداری کند. همچنین، چنانچه زن از منزل خارج شود و نتواند به وظایف زناشویی خود رسیدگی کند، ممکن است حق دریافت نفقه را از دست بدهد.

یکی از ایرادات اصلی استناد به چنین روایاتی این است که معمولاً این روایت‌ها ناظر به شرایط خاص فرد سؤال‌کننده بوده‌اند و به تعبیر فقهی «قضیه فی الواقعه» است که امکان سرایت به همگان را ندارد. بنابراین نمی‌توان از سخنان ائمه (ع) حکمی کلی استنتاج کرد، بلکه این دستورات غالباً در پاسخ به توضیحات سؤال‌کننده درباره شرایط زندگی‌اش صادر شده‌اند. در چنین مواردی ممکن است معصوم (ع) آمادگی معنوی بالایی را در شخص مشاهده کند و او را به پیروی از برخی توصیه‌های اخلاقی یا دستورات مختص به وضعیت شخصی وی هدایت کند و لذا استنباط حکم کلی مشکل به نظر می‌رسد.

۴-۳- ادله حرمت خروج زوجه از منزل

یکی دیگر از ادله عامی که در محل بحث مورد استناد قرار گرفته است ادله حرمت خروج زوجه از منزل است. برخی فقیهان نظر به اطلاق حرمت خروج زن از منزل بدون اذن همسر دارند حتی اگر با حق استمتاع شوهر نیز منافاتی نداشته باشد (تبریزی، ۱۴۱۶، ج ۶، ص ۲۶۳). مهم‌ترین دلیل این فقیهان «اجماع» یا «عدم الخلاف» است که با توجه به اینکه مستند مساله «روایات» است این اجماع مدرکی و فاقد حجیت است. در خصوص روایت گذشته از روایات ضعیف (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۴۰) دو دسته روایات وجود دارد. دسته اول مانند صحیح محمد بن مسلم است. محمد بن مسلم از امام باقر (ع) نقل می‌کند ایشان فرمود: «زنی نزد رسول خدا (ص) آمد و پرسید حق زوج بر زنش چیست؟ حضرت (ص) فرمود: او را اطاعت کند و از او نافرمانی نکند... و نفس خود (بدن خود) را از او دریغ نکند حتی اگر بر پشت شتر سوار باشد» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۰۷). لکن در این روایت، معصوم (ع) به وظایف الزام‌آور زن در قبال شوهر پرداخته‌اند و تمام پنج مورد ذکرشده در این زمینه قرار دارند. ایراد اصلی استنباط از دلالت این روایت آن است که پیامبر (ص) در اینجا قصد بیان جزئیات این حق را نداشته‌اند. یکی از شواهد این امر آن است که اطاعت از شوهر نیز در این روایت به عنوان یکی از حقوق واجب مطرح شده است، در حالی که می‌دانیم اطاعت از شوهر یک حق مستقل یا مطلق برای او محسوب نمی‌شود. بنابراین، اگرچه این روایت می‌تواند به حق مستقل شوهر در موضوع خروج زن از منزل اشاره داشته باشد، اما نمی‌توان اطلاق آن را از متن روایت استنباط کرد.

دسته دوم روایت سکونی است. که پیش‌تر در خصوص دلالت آن اشکال گردید که در خصوص عدم تعلق نفقه است و اما حکم تکلیفی حرمت خروج مطرح نباشد. این نوع حکم نیازمند بیان صریح، مستقل و جداگانه است.

لکن برخی دیگر از فقیهان تنها خروج منافی با حق استمتاع شوهر را مقید به اذن شوهر کرده‌اند. این گروه از فقیهان لزوم استیذان از زوج برای خروج از منزل را حق مستقلی نمی‌دانند (خویی، ۱۴۱۸، ج ۲۰، ص ۱۰۰). محقق حلی نیز از خروج زن از منزل سخنی نگفته و فقط مسافرت بدون اذن شوهر را منع کرده است (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۲۹۲) که این سخن نشانگر آن است که وی تنها خروجی را که با حق استمتاع شوهر منافی است حرام می‌داند.

دیدگاه سوم در خصوص خروج زن از منزل، «منع خروج بدون مصلحت» است. در دین اسلام، اصل بر این است که تمام اعمال انسان جایز و مباح باشند. از سوی دیگر، بر اساس قاعده سلطنت (الناس مسلطون علی اموالهم و الناس مسلطون علی ما لهم)، هر فرد اختیار کامل بر نفس خود دارد؛ موضوعی که از مضمون این

قاعده نیز برداشت می‌شود. اسلام، انسان را موجودی آزاد و مختار می‌داند که اگر از چارچوب‌های شریعت خارج نشود، بر تمام شئون خود تسلط دارد و هیچ‌کس حق ایجاد محدودیت برای او را ندارد، مگر اینکه دین به‌طور مشخص چنین محدودیتی را برای او مقرر کرده باشد. بر همین اساس، محدود کردن زن در انجام برخی امور، مانند خروج از منزل، تنها زمانی قابل قبول است که دلیل شرعی معتبر برای آن وجود داشته باشد. البته همان‌طور که اشاره شد، دلایل شرعی در این زمینه وجود دارد، اما نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت، اگرچه درباره حدود دلالت این دلایل اختلافاتی مطرح است.

آن‌چنان که بیان شد، اصلی‌ترین استناد طرفداران نظر اول به روایاتی است که الزام به کسب اجازه زن برای خروج از منزل را مطرح می‌کنند. یکی از نقاط ضعف این روایات، کمبود تعداد آن‌ها نسبت به گستردگی و عمومیت این مساله در جامعه آن زمان است. شیوه برخورد شارع مقدس و اهل بیت با موارد ناپسند رایج در اجتماع، این‌گونه بود که هنگامی که می‌خواستند مردم را از انجام آن بازدارند، به‌اندازه گستردگی و شیوع آن مساله، نهی خود را در مکان‌ها و زمان‌های مختلف، با بیان‌های متنوع تکرار و بر اهمیت آن تأکید می‌کردند. این نوع مواجهه باعث می‌شد بازدارندگی لازم حاصل شود. نمونه‌هایی مانند برخورد با پدیده‌های انحرافی نظیر قیاس، رباخواری، میگساری و توصیه‌های مکرر به تقیه شاهد چنین رفتارهای تأکیدی هستند.

در مورد خروج زنان از منزل نیز، مساله وقتی مطرح می‌شود که خروج‌های کوتاه‌مدت، مانند دیدار با همسایگان و بستگان، تا سفرهای بلندمدت را شامل شود. به‌ویژه در جامعه‌ای که بسیاری از مشاغل مانند تجارت، شبانی و جنگ نیازمند سفرهای طولانی بودند، این موضوع اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. با توجه به اینکه چنین شرایطی بخش قابل توجهی از زنان جامعه آن دوران را تحت تأثیر قرار داده بود، پرسش‌های بسیاری در این زمینه مطرح بود و مبینان شریعت می‌بایست با دقت و شفافیت به آن‌ها پاسخ دهند. شریعت هدف خود را از طریق روایات متعدد بیان کرده است. کم بودن قابل توجه تعداد روایات و نبود چنین پرسش‌ها و پاسخ‌هایی در میان احادیث می‌تواند نشان دهد که پیروان ائمه برداشت متفاوتی از مفهوم "خروج" در تعالیم ایشان داشته‌اند. یا اینکه از "خروج"، همان خروج بی‌بازگشت و بلندمدت را فهمیده‌اند یا تنها یک توصیف اخلاقی، بدون التزام فقهی، از سخنان آنان برداشت کرده‌اند (ر.ک: علیدوست، ۱۳۹۰، ص ۳۵). بنابراین نمی‌توان به صورت مطلق هر خروجی را حرام تلقی کرد بلکه تنها خروج «قهرگونه» و «خروج بی‌بازگشت» حرام و ممنوع است.

مضافاً بر اینکه این حق (لزوم استیذان زوجه از زوج برای خروج از منزل) باید به گونه‌ای تفسیر شود که در مقابل آیاتی که محوریت مصالح خانواده را مورد توجه قرار داده است دچار تعارض نشوند. توضیح اینکه

اگر مطلق خروج زن از منزل را متوقف بر استیذان از زوج بدانیم با آیاتی که مصالح خانواده را محور تصمیمات قرار داده است دچار تعارض می شود. احکام اسلامی، به ویژه احکام مربوط به معاملات و نکاح، با توجه به مصالح و مفسدات اجتماعی تدوین شده اند و این اصول در متن آیات قرآن و روایات مختلف موجود است. هنگام بررسی حکم شرعی، ضروری است که به این موارد توجه ویژه شود، زیرا در غیر این صورت ممکن است برخی از احکام در معرض ایراد تناقض یا سوء تفاهم قرار گیرند.

در این چارچوب، با آنکه حق مستقلی برای مدیریت رفت و آمد زن پذیرفته می شود (نه حقی که لزوماً با حق استمتاع تطابق داشته باشد)، این حق نباید جنبه اطلاق پیدا کند. به عنوان مثال، شوهر نمی تواند صرفاً بر اساس لجبازی، انگیزه های شخصی خارج از منافع خانواده، یا دلایلی که با مصالح زن و خانواده همسو نیستند، مانع خروج زن از خانه شود. تنها حق شخصی شوهر در این زمینه، حق استمتاع است که می تواند مانع از خروج زن شود.

این دیدگاه بر توجه به مصالح زن، زندگی زناشویی و کیان خانواده تأکید دارد و بحث خروج زن از منزل را در همین چارچوب محوری بررسی می کند. آیات مرتبط با این موضوع نیز جنبه روشنگری دارند و باید با دقت بیشتری نسبت به روایات مطلق موجود تحلیل شوند که در بیان اندیشه مختار مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد.

۷. دیدگاه مختار

به نظر می رسد آن گونه که برخی فقیهان مانند صاحب جواهر تصریح کرده اند، امکان منع زوج از برخی فعالیت های زوجه از جمله روزه و حج مستحبی، به ملاک مراعات حق استمتاع زوج است و تعبد خاصی وجود ندارد. صاحب جواهر به مسأله لزوم اذن شوهر برای روزه مستحبی پرداخته و اظهار می کند که اطاعت زن از شوهر در اموری که با استمتاع مرد منافات ندارد، واجب نیست. بر این اساس، روزه مستحبی زن صحیح تلقی می شود حتی اگر شوهر او مانع شود، مگر اینکه اجماع بر خلاف آن وجود داشته باشد. ایشان در ادامه به این نکته اشاره می کند که در صورت عدم تنافی روزه مستحبی زن با حقوق شوهر، چنین روزه ای مانعی ندارد (نجفی، ۱۳۷۶، ج ۱۷، ص ۱۳۱). محقق خویی نیز دلیل لزوم استیذان زوجه از زوج در حج مستحبی را حرمت خروج زن بدون اذن شوهر دانسته است (خویی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۹۶). لکن باید توجه داشت اطلاق این حق محل بحث و اشکال است. توضیح اینکه بر اساس آیات قرآن کریم معاشرت به معروف با همسر بر مردان واجب است. خداوند متعال در آیه ۱۹ سوره نساء می فرماید: «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء: ۱۹) و با آنان به صورتی شایسته و پسندیده رفتار کنید». واژه «معروف» یکی از مهم ترین آیات قرآنی است که به عنوان

معیاری برای بسیاری از رفتارها در قرآن مطرح شده است. مفهوم معاشرت به معنای اختلاط و ارتباط (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۴: ص ۵۴۷؛ فیروزآبادی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲: ص ۹۰) است، که با مصاحبت و گفت‌وگوی مستمر همراه می‌شود. علاوه بر این، معنای آمیزش داشتن به همراه استمرار صحبت تأکید دارد و "معروف" به همین معنا بیان شده و پسندیده شده از روی عقل، شرع و عرف است (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۴۰۴). این آیه شریفه تلاش دارد تغییر نگرش معرفتی و رفتاری جامعه نسبت به زنان را بیان کند. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه اشاره می‌کند که معنای معاشرت به معروف، نه تنها شامل روابط خانوادگی بلکه اصولی برای زندگی اجتماعی زنان نیز می‌شود. (همان) این نوع معاشرت باید بر پایه اخلاق عقلانی و حکمت باشد.

در دیدگاه فقها، موضوعاتی مانند نوع لباس، محل سکونت، و خدمات منزل بر اساس قاعده معاشرت به معروف تعیین می‌شوند (عاملی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۱۹). همچنین اگر مرد، زن خود را بدون دلیل موجه یا به دلایلی خارج از مصالح خانواده از خروج از منزل منع کند، چنین رفتاری مخالف این آیه خواهد بود و حق خروج زن در چنین شرایطی محدود نمی‌شود. بدین ترتیب به نظر می‌رسد اطلاق برخی روایات در این زمینه توسط این آیه تخصیص می‌خورد.

یکی دیگر از ادله قرآنی که باید مورد توجه قرار گیرد آیه ۲۲۸ از سوره بقره است. این آیه شریفه نیز نکات مهمی را درباره حقوق و مسئولیت‌های زنان و مردان مطرح می‌کند. جمله «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» بیانگر وجود حقوق متقابل میان زنان و مردان است، اما در ادامه با اشاره به «وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ» به اختلاف مسئولیت‌ها یا امتیازات میان آن‌ها پرداخته شده است که نیازمند تحلیل بیشتر است. مرحوم طبرسی این عبارت را جامع، پرمفعت، و شایسته تأمل عمیق دانسته است (طبرسی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۵۷۵). این آیه به وضوح به برقراری توازن میان حقوق (لَهُنَّ) و مسئولیت‌ها و تکالیف (عَلَيْهِنَّ) اشاره می‌کند. نکته قابل توجه در این آیه آن است که محور کلام بر حقوق زنان استوار شده و برای آن معیار "معروف" تعیین شده است. بنابراین، بحث‌های مرتبط با آیه پیشین، تعارض احتمالی و همچنین نسبت آن با روایاتی که بر لزوم اجازه برای خروج زن از خانه تأکید دارند، در اینجا نیز مطرح می‌باشد و اندیشه اطلاق‌انگاری را دچار اشکال می‌نماید. همچنین با توجه به اینکه ادله خاص در خصوص لزوم استیذان زوجه از زوج بر انجام حج مستحبی دچار اشکالاتی می‌باشد لذا نمی‌توان به صورت مطلق سخن از لزوم استیذان گفت.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش ادله لزوم اذن زوج در حج مستحبی زوجه مورد بررسی و تحلیل قرارگرفت و نتایج زیر حاصل گردید:

۱- ادله خاص (روایات) مرتبط با حکم حج مستحبی زنان، برای اثبات نیاز به اذن شوهر در انجام این فریضه ناکافی به نظر می‌رسد. به همین خاطر تنها دلیل موجود بر لزوم دریافت اجازه از زوج، همان ادله‌ای است که خروج زن از منزل را نیازمند اجازه همسر می‌داند، چراکه انجام حج مستلزم ترک منزل است. با این حال، از روایات مربوط به منع انجام حج مستحبی توسط زن مطلقه نمی‌توان الزام به دریافت اذن از شوهر را در اجرای حج مستحبی برداشت کرد. این امر ممکن است به دلیل این باشد که در روایات، موضوعیت لزوم اجازه شوهر برای خروج زن مطلقه از منزل مطرح شده و اهداف شرعی در این زمینه، مانند ایجاد شرایط مناسب برای سازش بین زوجین، چنین حکمی را موجه کرده‌اند. بنابراین، نمی‌توان از این دسته روایات به موضوعیت خود عمل حج در این موارد دست یافت و در نتیجه ادله خاص غیرقابل استناد فقهی می‌باشند.

۲- ادله عام در محل بحث نیز مانند آیه ۲۲۳ سوره بقره و آیه ۳۴ سوره نساء نیز ملاک اصلی در بهره‌برداری از حق استمتاع را اراده زوج دانسته است؛ اراده‌ای که می‌تواند در هر زمان یا مکان به فعلیت برسد و هیچ جنبه تعبدی در این مساله وجود ندارد. بنابراین، اگر زوج در زمانی معین اراده فعلی برای بهره‌مندی از زوجه نداشته باشد یا امکان تحقق اراده برای او فراهم نباشد، بر زوجه ولایتی نخواهد داشت و وظیفه‌ای مبنی بر تمکین بر عهده زوجه نخواهد بود. به همین دلیل، در چنین شرایطی زوجه آزادی انجام فعلی را دارد که با وظیفه تمکین ارتباطی ندارد و نیازی به گرفتن اجازه از زوج نیست. بنابراین اندیشه اطلاق انگاری استیذان از زوج دچار محدودیت می‌گردد.

۳- دلیل عام دیگر صحیح محمد بن مسلم از امام باقر(ع) است که ایشان از قول پیامبر اکرم(ص) درباره حقوق زوج بر زوجه نقل فرمودند دال بر این است که تمکین زوجه در شرایطی که زوج امکان فعال‌سازی اراده خود را دارد، واجب دانسته شده است بنابراین حق جدیدی برای زوج وضع نشده است و نمی‌توان از اندیشه اطلاق را مستند به این حدیث دفاع کرد.

۴- در روایت سکونی نیز که از جمله ادله عام مطرح در مساله مورد بحث است نیز به‌طور مستقیم از ممنوعیت خروج بدون اجازه سخنی به میان نیامده است؛ به این معنا که ممکن است حکم وضعی سقوط نفقه برای زن وجود داشته باشد، اما حکم تکلیفی حرمت خروج مطرح نباشد. این نوع حکم نیازمند بیان صریح، مستقل و جداگانه است. بنابراین نمی‌توان به صرف این روایت رای به اندیشه اطلاق لزوم استیذان داد.

۵- در خصوص حرمت خروج زوجه از منزل بدون اذن شوهر نیز نمی‌توان به صورت مطلق هر خروجی را حرام تلقی کرد بلکه تنها خروج «قهرگونه» و «خروج بی بازگشت» حرام و ممنوع است و در حج مستحبی که نه «حالت قهر» وجود دارد و نه «قصد عدم بازگشت» لذا نمی‌توان حرمت خروج زوجه را قائل شد.

منابع

- آملی، میرزا محمد تقی (۱۳۸۰ق)، مصباح الهدی فی شرح عروۃ الوثقی، تهران، انتشارات مؤلف، چاپ اول.
- ابن منظور، محمد بن مکرّم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت، دار صادر، چاپ سوم.
- اراکي، محمد علی (۱۴۱۴ق)، خیارات، قم، مؤسسه در راه حق، چاپ اول.
- اشتهاردی، علی پناه (۱۴۱۷ق)، مدارک العروه، تهران، دارالأسوة للطباعة و النشر، چاپ اول.
- اصفهانى، محمد حسین (۱۴۰۹ق)، الاجاره، قم، انتشارات جامعه مدرّسین، چاپ دوم.
- تبریزی، جواد (بی تا/الف)، التهذیب فی مناسک العمره و الحج، بی جا، بی نا.
- _____، (بی تا/الف)، صراط النجاة، بی جا، بی نا.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم، انتشارات آل البيت.:
- حکیم، محسن (۱۴۱۶ق)، مستمسک عروۃ الوثقی، قم، دار التفسیر، چاپ اول.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۶ش)، معجم رجال الحديث، تهران، امیرکبیر.
- _____، (۱۴۱۰ق)، منهاج الصالحین، قم، مدینه العلم، چاپ بیست و هشتم.
- _____، (۱۴۱۸ق)، موسوعه الامام الخوئی، قم، إحياء آثار الإمام الخوئی ره.
- _____، (بی تا)، معتمد عروۃ الوثقی، بی جا، بی نا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم، چاپ اول.
- زین الدین، محمد امین (۱۴۱۳ق)، کلمه التقوی، قم، انتشارات سید جواد وداعی، چاپ سوم.
- سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله (۱۴۱۹ق)، ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن، بیروت، دارالتعارف، چاپ اول.
- سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳ق)، مهذب الاحکام، قم، انتشارات دفتر آیت الله سبزواری، چاپ چهارم.
- شاهرودی، سید محمود (بی تا)، کتاب الحج، قم، انتشارات مؤسسه انصاریان، چاپ اول.
- شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۸ق)، اللمعه الدمشقیه، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۸ق)، روضه البهیة، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دهم.

- صافی، محمود بن عبدالرحیم (۱۴۱۸ق)، الجدول فی اعراب القرآن، بیروت، دار الرشید، چاپ چهارم.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصرخسرو، چاپ سوم.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق)، المبسوط فی فقه الامامیه، تهران، المكتبة المرتضویه، چاپ سوم.
- _____، (۱۳۹۰ق)، الاستبصار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول.
- _____، (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- عراقی، ضیاءالدین (۱۴۱۴ق)، شرح تبصره المتعلمین، قم، انتشارات جامعه مدرسین، چاپ اول.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۷ق)، خلاصه الاقوال فی معرفه الرجال، قم، فقاہت، چاپ اول.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۱۸ق)، کتاب الحج، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، چاپ دوم.
- _____، (بی تا)، تعلیقات علی العروة الوثقی، قم، انتشارات مرکز فقهی ائمه اطهار، چاپ اول.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، قم، دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۶ق)، ملاذ الاخیار فی فهم تهذیب الاخبار، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ اول.
- مرتضوی، سیدحسن (۱۳۸۷)، درس خارج فقه، نشانی اینترنتی:
<https://eshia.ir/feqh/archive/text/mortazavi/feqh/>
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول.
- _____، (۱۴۲۱ق)، الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، قم، انتشارات مدرسه امام علی، چاپ اول.
- _____، (بی تا)، استفتاءات، دفتر معظم له، نشانی اینترنتی:
<https://www.makaremshirazi.net/main.aspx?typeinfo=214677>
- موسوی عاملی، محمدعلی (۱۴۱۱ق)، مدارک الاحکام، بیروت، انتشارات آل البيت، چاپ اول.
- مؤمن سبزواری، محمدباقر بن محمد (بی تا)، ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، بی جا، بی نا.
- نجفی، محمدحسن (بی تا)، جواهر الکلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم.
- نراقی، مستند الشیعه،
- نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، بیروت، انتشارات آل البيت، چاپ اول.
- یزدی، سیدمحمدکاظم (۱۴۰۹ق)، عروة الوثقی، بیروت، انتشارات مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.

رویکردهای پویا در فقه و حقوق اسلامی

دوره ۱۴، شماره ۳، ۱۴۰۳

EISSN:2538-4945

<https://sanad.iau.ir/journal/aqojap>

_____، (۱۴۱۹ق)، عروة الوثقی محشی، قم، انتشارات جامعه مدرسین، چاپ اول.